

از علی افشاری در شبکه ایکس:

مسعود پزشکیان بر خلاف ادعاهای حامیانش یک فرد اخلاق‌گرا و سیاستمدار اخلاقی نیست. صداقت کامل هم ندارد اگرچه به اندازه جلیلی، قالیباف و زاکانی ناصداق نیست.

او بر اساس طراحی خامنه‌ای و مذاکرات امنیتی‌های نظام، به فرموده برای گرم‌کردن تنور انتخابات نمایشی کاندید شد. پزشکیان پذیرش چرخ پنجم شدن نظام و تلاش برای نجات آن از بحران بقا را پنهان کرده و به دنبال سراب سازی است. اگرچه در این پنهان‌کاری به دلیل ضعف مفرط بینش و توان سیاسی، ناشیانه عمل کرده است.

صداقت و ساده‌زیستی‌اش هم با بلاهت عجیب شده که یک ترکیب سمی برای مردم و کشور بخصوص در اداره نهادهای صنعتی، اقتصادی و تجاری است.

از آنجاییکه او یک دیندار سنتی و بیگانه با مفاهیم مدرن بوده و سیمای یک بوروکرات ولایی را نمایان می‌کند، دلایل برای خروج او از دایره اخلاق و موازین اسلامی را در چارچوب موازین سنت شرح می‌دهم. به لحاظ میانی مدرن عملکرد پزشکیان با نظریه‌های اخلاقی و وظیفه‌گرایی کانت و نظریه قرارداد اجتماعی رالز تعارض دارد که موضوع این متن نیست.

اما این آقای حافظ نهج‌البلاغه مانند اغلب اسلام‌گرایان بنیادگرا و سنتی‌ها فقط ظاهر کلام را طوطی‌وار خوانده و حفظ کرده و ناتوان از درک جوهره مفهومی است. در عین حال بین حرف و عملش نیز تعارض وجود دارد.

او همیشه ستایشگر خامنه‌ای بوده و در اولین مصاحبه انتخاباتی‌اش با صداوسیما بارها و بارها از تبعیت به خامنه‌ای گفت و در اغراقی شرم‌آور مدعی شد دولت‌ها نباید برنامه داشته و باید مجری سیاست‌های تنظیمی خامنه‌ای باشند! او مشکل را در فاعلیت مجریان دانسته و می‌خواهد مجری بهتری برای اوامر خامنه‌ای باشد که توهم بهبود در حوزه معیشت و درونی کردن انقیاد و تسلیم در برابر استبداد و واپسگرایی و فضای بسته سیاسی را دارد!

پزشکیان نه تنها از همکاری با حاکم خودکامه، ظالم، فسادپرور، ضدتوسعه و تباه‌کننده ایران و ایرانی قبح‌زدایی کرده بلکه با ترکیب بلاهت، بی‌اعتقادی به دموکراسی و عدالت و آزادی در معنای موسع و نگاه سطحی و ساده‌اندیشانه به حکمرانی، به توجیه و تطهیر و ستایش از یک انسان شیطان صفت پرداخته است. او مدعی تبعیت از فرعون است که برای خودخواهی مشمزن‌کننده و توهماتش ده‌ها میلیون انسان در ایران و خاورمیانه را به فلاکت کشانده و یکی از عمال حکمرانی ویرانگر او بوده است.

در فقه سنتی امامیه او مصداق «معونه الظالمین» است که در نظر اکثر فقهای بزرگ شیعه اثنی عشری از گناهان کبیره محسوب می‌شود. هر کس که به یک حکمران ظالم کمک کرده و وسیله بسط و بقای قدرت خودکامه او شود، مشمول «معونه الظالمین» است. در عمده مکاتب اسلامی-شیعی، تنها همکاری در امور محدود اجرائی که منفعتش شامل عموم مردم می‌شود، با حاکم ستمگر مجاز است.

محقق نراقی هرگونه کمک به حاکم ستمگر و انجام عمل حرام از سوی آنها را فعل حرام دانسته و به آیه ۱۱۳ سوره هود، «وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» استناد کرده است. خداوند در این آیه، خطاب به مومنان می‌گوید هرگز با ظالمان همدست، دوست و بداندان دلگرم نباشید! و گر نه آتش (کیفر آنان) دامن شما را خواهد گرفت.

از حضرت علی نقل است هر کسی خود را برای منصبی آماده کند در صورتیکه افراد لایق‌تر از او وجود داشته باشند، خائن به خدا، پیامبر و مومنان است.

همچنین در نهج‌البلاغه تصریح شده که دشمن ستمگر باشید و همچنین بیان شده «سوگند به خدا، که اگر هفت اقلیم را با آن چه در زیر افلاک آن هاست به من دهند تا با بیرون کشیدن پوست جوی از دهان مورچه ای خدا را نافرمانی کنم هرگز نخواهم کرد»

پزشکیان اگر رئیس‌جمهور شود با تسلیم در برابر نهادهای سرکوبگر و فرامین خامنه‌ای در تضییع حقوق مردم شریک خواهد شد.

باز تاکید می‌کنم که در زمانه کنونی ارجاع به قرآن و نهج‌البلاغه در امر حکمرانی را روا نمی‌دانم، اما چون وی باوری به مدرنیته ندارد، سعی کردم که از طریق منابع سنتی دینی، مغایرت مشی سیاسی وی با اخلاق و سنت محمدی و طریقت علوی را شرح دهم.

البته تفاسیر و نگرش‌های دیگری در سنت شیعی پیرامون نسبت اخلاق و حکومت وجود دارد که مسئله ظلم را از محدوده قضاوت خارج می‌کند اما آنها شامل پزشکیان نمی‌شود چون بر اساس آنها نباید وی در انقلاب بهمن ۵۷ شرکت می‌کرد و به ادامه پادشاهی سلطان اسلامپناه حافظ نظم، رضایت می‌داد.

□#برای_نظام